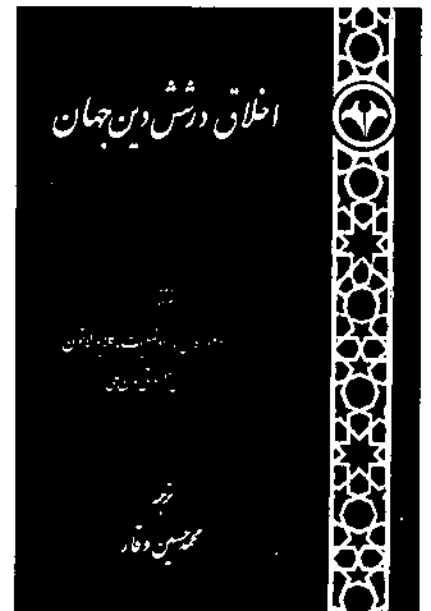


نگاهی به کتاب اخلاق در شش دین جهان

- اخلاق در شش دین جهان
- ورنر منسکی، پلی مورگان، النور نسبیت، کلابولتون، ترورشانون و معشوق بن علی
- ترجمه محمدحسین وقار
- انتشارات اطلاعات



این کتاب توسط شش محقق و دین‌شناس که هر یک در یک دین تخصص ویژه دارند تألیف گردیده است. که بیوگرافی اجمالی آنها در ابتدای اثر آمده است. این کتاب به جز پیشگفتار مفصل که حاوی یک نوع جمع‌بندی است، دارای شش بخش می‌باشد که هر بخش به یک دین مهم در جهان اختصاص یافته است. این ادیان عبارتند از: هندوئیسم، بودائیسم، سیکسزم، یهودیت، مسیحیت، و اسلام.

● رضا غلامی

تمامی بخش‌های این کتاب دارای اجزاء و سرفصل‌های یکسان و مشترک می‌باشند که به جز سایر فواید، کار را برای مقایسه آسان می‌کند. این سرفصلها عبارتند از: هویت و اقتدار دینی، شخصی و خصوصی؟، ازدواج و خانواده، استفاده از زمان و پول و تاثیر بر آنها، کیفیت و ارزش زندگی، حق و ناحق، برابری و اختلاف، تقسیمات ملی، جنگ و صلح و مسائل جهانی.

در پیشگفتار این کتاب اعتقاد مؤلفان این اثر از تحریر کتاب به این شکل بیان شده است: عبور از مرزهای دین، زبان و نژاد، مردم را قادر می‌سازد که دریافت خود را از موضوعاتی که برای همه حائز اهمیت است، تعمیق بخشند. لذا هدف اصلی این کتاب آن است که اصول مسلم، باورها، تجربه‌ها، و اعتقادات شش دین جهان را، که در آنها این ارزش‌های مشترک جای گرفته، در دسترس خوانندگان قرار دهد. درباره دلائل اشتراک سرفصل‌های همه بخش‌ها، تنها به این نکته (از سوی مؤلفان) اشاره شده است: این انتخاب فرصت تدقیق درباره موضوعات مهم ادیان را فراهم می‌سازد، گرچه این اهمیت به اشکال و درجات متفاوتی باشد. پیشگفتار این اثر شامل توضیحاتی مناسب و همانطور که بیان شد نوعی جمع‌بندی برای آماده شدن ذهن، درباره هر یک از سرفصل‌های فوق و همچنین بیانگر زاویه دید مؤلفان به هر یک از مقولات مزبور است. لذا لازم دیدیم بخش قابل توجهی از معرفی کتاب را به بیان دیدگاه‌های کتاب که در پیشگفتار آمده اختصاص دهیم و نکات مهم آن را از زبان خود کتاب منعکس نماییم:

هویت و اقتداری دینی

۱. پیرو یک دین بودن اغلب به کشور محل تولد، سوابق فرهنگی فرد، و یا خانواده‌ای که در آن بوجود آمده مربوط می‌گردد. در این صورت، نظرات آن دین به تدریج فراگرفته شده، و در عین حال به بخشی از زندگی مردم و

زبانی که به آن صحبت می‌کنند، تبدیل می‌شود. به طوری که گاهی نسبت به آن احساس صمیمیت، محبت و وفاداری ایجاد می‌گردد.

۲. بسیاری از پیروان ادیان تأکید دارند که صرف اعتقاد به اندیشه‌های خاص کافی نیست؛ دین یک شیوه کامل زندگی است. (که نویسندگان کتاب به آن توجه دارند) البته همه پیروان یک دین، از شیوه آرمانی زندگی که در آن دین تعلیم داده شده، پیروی نکرده و نمی‌توانند پیروی کنند. بنابراین بخش‌های بسیاری در کتاب حاضر اشاراتی است به تفاوت‌های موجود میان نظری و عملی، و آرمانی و واقعی.

۳. در این کتاب کوشش شده که تنوع موجود در همه ادیان، در ارتباط با محل زندگی پیروان آن دین، نشان داده شود. چرا که مثلاً آراء و رفتار پیروان یک دین در یک منطقه با پیروان همان دین در منطقه دیگر بعضاً تفاوت‌های قابل توجهی دارد و مهم‌تر اینکه اغلب ادیان دارای فرق و گروه‌های مختلفی می‌باشند که با همدیگر اختلاف نظر عمیقی نیز دارند، همچنین این احساس وجود دارد که تعلق به یک دین، به مثابه تعلق به یک خانواده جهانی است، که از موانع دیگر فراتر می‌رود.

۴. یکی از ویژگی‌های متمایز ادیان این اعتقاد است که همه چیز در این زندگی و دنیایی که می‌شناسیم خلاصه نمی‌شود. این تفکر از اهمیت اقدام برای سعادت مردم در این دنیا نمی‌کاهد. بلکه بدان معنی است که بعد دیگری برای اعمال مردم، و ثمره آن اعمال، وجود دارد، اما این بعد در مقابل انسانهای دیگر مکشوف نیست. این امر تعالیم مربوط به کار ما، تولد دوباره، بهشت و دوزخ، زندگی پس از مرگ و ملکوت خدا را به جزء مهمی از مباحث اخلاقی تبدیل می‌کند.

۵. ادیانی که در کتاب حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند همگی مجموعه‌های قابل ملاحظه‌ای از متون مکتوب یا کتب مقدس دارند. که از آنها برای اخذ تصمیمات دینی کمک می‌گیرند. هر یک از متون تاحدودی وثاقت دارد، مثلاً بعضی کتب در موقعیت وحی یا منزل بودن قرار دارند، حال آنکه برخی دیگر از اینکه مجموعه سنت‌ها یا تفکرات استادی برجسته درباره موضوعات مهمند، توثیق می‌یابند.

۶. تقریباً همه جوامع، اعم از دینی یا غیردینی، رهبرانی دارند. کشف اینکه رهبران چگونه انتخاب می‌شوند و کدام صفات ملاک قضاوت درباره آنها است، اغلب می‌تواند آموزنده باشد. در طول تاریخ نیز جوامع برای احراز این نکته کوشیده‌اند که آیا رهبران مافوق قانونند یا مشمول آن. رعایا یا شهروندان چه تکالیفی دارند و...

شخصی و خصوصی؟

۱. در ادیان، برخلاف جهان غرب غیردینی، مردم به

مثابه اعضای اصلی یک خانواده گسترده و یک جامعه در سطح وسیع تر، تلقی می‌شوند. آنچه که هستند و آنچه که می‌کنند جزئی از حیات جامعه، عزت یا ذلت آن، است، آنها تصمیمات خود را بر مبنای فردگرایانه، که بسیاری از مردم غرب غیردینی به آن معتقدند، اخذ نمی‌کنند.

با این وجود ادیان، مردم را در طریق انواع فضایی که باید تحسین یا ترویج گردد، هدایت می‌نمایند... به نظر می‌رسد که اغلب ادیان با تواضع، صداقت، مهربانی و عقل، به عنوان صفات لازم موافق باشند.

۲. از نظر بعضی ادیان، دوستی تنها منزلی است در میانه راه محبت به کل بشریت، که در مفهوم تلقی نژاد انسان به عنوان یک خانواده، تلویحاً بیان شده است. در دیگر ادیان، دوستی والاترین شکل روابط انسانی است؛ رابطه‌ای که هدفها و چالش‌ها را تعیین نموده، الگوی نوع رابطه‌ای را که با خدا یا نوع بشر، قابل حصول است، به دست می‌دهد.

۳. در بیشتر موارد، دین از دوستی میان افراد یک جنسیت سخن به میان می‌آورد. اما در عین حال، موجبات نزدیک ساختن آرمان‌هایی را که باید در ازدواج گنجانده شود، فراهم می‌کند.

در ادیان اهمیت خانواده نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه الگوی خانواده و مسئولیت‌های انسان در قبال آن در ادیان مختلف و گاهی در درون یک دین، متفاوت است، ولی به نظر می‌رسد که هنوز هم مسوولیت ایجاد حیاتی جدید، مسوولیتی جدی تلقی می‌شود.

۴. امروزه در بیشترین نقاط جهان، تضمین آن که زن در نتیجه مضاجعت باردار نخواهد شد از نظر فنی ممکن گردیده است با این وجود، هنوز هم به نظر می‌رسد که بیشتر ادیان مضاجعت افراد بارور را بدون آن که نطفه بچه‌ای بسته شود، یک تناقض ذاتی تلقی می‌کنند، زیرا داشتن بچه جزئی از هدف مضاجعت است. به نظر می‌رسد که بسیاری از ادیان بر این نکته توافق داشته باشند که عمل فیزیکی مضاجعت - در چهارچوب محبت مقتضی، عملی والا - و نه عملی دون - است. مضاجعت عبارت است از به وجود آوردن فرزند و یا ابراز محبت ناب مادام‌العمر میان دو نفر. به علاوه، به نظر می‌رسد که تلقی جدیدی از سوی جناح آزادمنش بعضی ادیان در حال ظهور باشد، که اگرچه رابطه جنسی قبل از ازدواج هنوز از نظر فنی غیرقابل قبول است، ولی اگر دو نفری که قصد ازدواج با هم دارند، آن را انجام دهند. از انجام آن توسط دو نفری که هیچ قصدی برای پذیرش تمهیدی متقابل ندارند، کراهت کمتری دارد.

۵. از نظر بعضی ادیان ازدواج مطلوب و تجرد مردود است. و بعضی دیگر برای تهذیب یا تعظیم تمایلات جنسی ازدواج را در هیچ چارچوبی مجاز نمی‌دانند.

۶. از این، مسأله آفرین تر، موضوع رابطه جنسی با

هم جنس در بعضی ادیان است. روابط عمیق با افراد هم جنس اغلب والاترین نوع دوستی تلقی می‌شود اما به نظر می‌رسد که در بسیاری از ادیان روابط هم جنس گرایانه شدیداً تحریم شده باشد. اخیراً تأکید شده که حتی ادیانی که قوی‌ترین مواضع را علیه این موضوع داشته‌اند، نفس هم جنس‌گرایی را محکوم نمی‌سازند، بلکه وقوع رابطه جنسی میان آنها را محکوم می‌کنند.

ازدواج و خانواده

۱. ازدواج یکی از چهار منسک گذر است، که در ادیان مختلف، به اشکال گوناگون و با تأکید متفاوت، مشخص شده است. سه منسک دیگر، تولد، بلوغ و مرگ است. صرف‌نظر از تلقی ازدواج به عنوان شیوه توصیه شده، ازدواج در همه ادیان امری جدی است که اساسی‌ترین واحد جامعه را، که در آن فرزندان متولد شده، در مسیر دینی خاص پرورش می‌یابند؛ تشکیل می‌دهد. اغلب ادیان تأکید دارند که ازدواج علاوه بر جاذبه، سعادت شخصی و کمال مرد و زن، تلویحات موسع دیگری دارد.

۲. صرف نظر از محلی که دین در آن نضج گرفته، مراسم ازدواج ویژگی‌های مشابهی دارد اما بعضی از این ویژگی‌ها به آداب و رسوم اجتماعی و الزامات قانونی کشور خاص محل زندگی وابسته است. همه ادیان بر تک همسری مردان تأکید ندارند اما به پیروان خود توصیه می‌کنند که قانون کشور محل زندگی خود را مرعی بدارند.

۳. همه ادیان بر وجود رابطه‌ای مناسب و آرمانی میان زن و شوهر، و بر اهمیت داشتن فرزند و کمک متقابل در انجام وظایف متفاوت تأکید می‌ورزند.

۴. روابط میان والدین و فرزندان بخصوص در ادیان مورد تأکید قرار گرفته است، زیرا در ابتدا حیات مادی، معنوی و عاطفی فرزند در درون خانواده شکل می‌گیرد. اما بسیاری از ادیان نه تنها برای نزدیک‌ترین اعضای خانواده که برای اعضای خانواده گسترده، شامل پدربزرگ، مادر بزرگ، خاله، عمه، عمو و دایی، نیز احترام و مراقبت را فریضه می‌دانند.

۵. اصول احترام، تکلیف و محبت نیز مکرراً تعمیم یافته تا خانواده بزرگ دینی را نیز شامل باشد. همه این روابط مسوولیت و وسیله‌ای برای غنا بخشیدن به حیات تلقی می‌شود. همه اینها ایجاد امنیت کرده و در مراحل حساس زندگی افراد منشاء کمک و نیز تکالیف متقابل است.

استفاده از زمان و پول و تأثیر بر آنها

۱. در این نکته توافق کلی وجود دارد که آموزش اساساً برای ارتقاء مهارت‌های شغلی یا از نظر اقتصادی عضو مولد جامعه بودن، نیست، بلکه بیشتر برای ایجاد

دیدگاه‌های صحیح و صفات شخصی لازم برای انسانی خوب بودن است.

۲. علاوه بر تأثیر خانواده و آموزش بر ارزش‌های مردم، نفوذ رسانه‌ها و قدرت تبلیغات در زندگی مردم نیز قابل توجه است. رسانه‌ها را می‌توان برای مقاصد خوب یا به انحراف کشاندن ذهن و فکر مردم مورد استفاده قرار داد. تبلیغات همواره در جوامع، و از جمله از سوی گروه‌های دینی، مورد استفاده بوده است؛ اما چاپ و انتشار انبوه و رسانه‌های الکترونیک بدان معنی است که امکان نفوذ بر تعداد بیشتری از مردم با سرعت بیشتر فراهم گشته است. و بنابراین می‌توانند صدمه بالقوه بیشتری وارد سازند.

۳. اگرچه گفته شد که آموزش اساساً در جهت عقل و نه مهارت است، ولی با این وجود ادیان تأکید فراوانی بر ایفای نقش سازنده توسط افراد در جامعه دارند. هرکس باید به نحوی در جهت موفقیت و بهسازی جهانی که در آن زندگی می‌کند، سهم می‌باشد. می‌توان از مردم انتظار داشت که علاوه بر تولید کالا و خدمات، به عنوان آموزگار، روحانی یا حتی متفکر، برای بهبود جامعه تلاش کنند.

۴. انجام کار مفید، نه تنها برای جامعه، که برای فرد نیز مهم است، زیرا حرمت نفس و حیثیت او را در چشم دیگران افزایش می‌دهد. هر تلاشی برای قضاوت درباره ارزش یک کار به تناسب پولی که بابت آن کسب می‌شود، با ادیان مورد بحث ما، در مقایسه با جوابی که در آن پول یک شاخص مهم ارزش است، بیگانه تر است.

۵. در ادیان مختلف ما نگرش‌های متفاوتی نسبت به تعادل میان این دو روی سکه - یعنی کار و تفریح - وجود دارد. به نظر می‌رسد که این پیام همه ادیان باشد که باید فرصت اشتغال برای همه مهیا باشد در ضمن اوقات فراغت آنها، مدت زمانی است که با کار آنها در تقابل است. به نظر می‌رسد این تعادل مهم باشد. در حال حاضر، روند کار و بیکاری در کشورهای غربی وضعیتی را ایجاد کرده که بعضی مردم همواره بیش از حد کار دارند و بعضی مردم اجباراً فاقد فعالیت و گرفتار وهن بیکاری هستند.

۶. ادیان در مورد اینکه آیا افراد مجاز به انباشت ثروت هستند یا خیر، توافق ندارند. به نظر می‌رسد که این بحث مسأله جدیدی باشد. بعضی پیشنهاد می‌کنند که چون ثروت می‌تواند موجب فساد و تحریک رذایلی چون حرص و کبر گردد. پس باید همه بتوانند از ثروتی تقریباً یکسان برخوردار باشند و ثروت جمعی باید برای اصلاح جامعه به کار رود. برخی دیگر استدلال می‌کنند که باید افراد بتوانند با ابتکارات صحیح خود ثروتی بیندوزند؛ نفوذ آنها، در صورتی که به طور صحیح کنترل و هدایت شود، می‌تواند به نفع کسانی باشد که رفاه کمتری دارند.

در رابطه با ادیان یک نکته مسلم است که ثروت همواره به صورت امانت به فرد داده می‌شود و باید مسوولانه و براساس اخلاق مصرف شود. فرد ثروتمند خودبخود در مقابل فقراء مسوولیت دارد و پرداخت مالیات و یا کمک (داوطلبانه) به صندوق اعانات یک مسوولیت مطلق - و نه یک عمل خیرخواهانه - است.

کیفیت و ارزش زندگی

۱. در تعالیم ادیان مهم جهان این نکته آمده که زندگی بشر ارزش زیادی دارد و باید مورد احترام قرار گیرد، اعم از اینکه فرد سالمند، معلول، بیمار، فقیر در حال احتضار و یا جنینی در شکم مادر باشد. ادیان صفات شخصی را تعلیم می‌دهند که این صفات شامل اولویت مراقبت از فقیر و بیمار است و احساس عدالت، تواضع و بزرگواری، محبت و رحمت را در برمی‌گیرد.

۲. دیدگاه‌های ادیانی خاص، مانند مسیحیت در بریتانیا و اسلام در عربستان گاهی در کل جامعه نفوذ کرده و بر قوانین مربوط به کمک مالی و مراقبت بهداشتی از بیماران و نظر آنها درباره سقط جنین و مرگ بی‌درد تأثیر داشته است. در جوامع دیگر، کثرت ادیان، آنچه را که ممکن است دیدگاه «توجه» و احترام به زندگی - حتی هنگامی که درباره لحظه دقیق به وجود آمدن انسان مورد توافق نیست - نامید، شکل داده است. اما امروزه در جوامع غالباً غیردینی، که مردم بر موفقیت مادی و یک زندگی پرمشغله و کارآمد با یک شغل پردرآمد و نه هیچ چیز دیگر، ارجح می‌نهند، مردم دیندار در اقلیت‌اند. این دیدگاه باعث می‌شود که سالمندان و معلولان و فقراء احساس کنند که بی‌مصرف و وامانده اجتماعی هستند.

حق و ناحق

۱. به رغم آنکه قوانین جاری در اغلب کشورها، یک نظام حقوقی غیردینی است، ادیان شیوه‌های زندگی و نظام‌های اعتقادی، آنها نیز نظراتی درباره نحوه رفتار مردم، و نحوه برخورد با آنها، در صورتی که بد عمل کنند، دارند. آنها نیز تعالیمی درباره عدالت و نحوه ابراز تأسف از سوی مردم به خاطر آنچه کردند دارند. اما یکی از ویژگی‌های دین این احساس است که نظم، حقیقت و عدالت ارزشها و واقعیت‌های غایی جهان شناختی‌اند، و نه فقط اندیشه‌های صرفاً انسانی و یا بنا بر قول الاهیون آنگونه که خدا می‌خواهد اشیاء باشند، و نه فقط مخلوق تصور انسانی...

اندیشه‌های دین درباره خوب و بد رفتارهای صواب و ناصواب، اغلب بر جامعه‌ای که در آن مدت‌های مدید دین اکثریت بوده، اکثریت داشته است... تقریباً همیشه، مردم دیندار تشویق می‌شوند که از قانون کشور محل

زندگی خود اطاعت کنند. مگر آنکه به اعتقاد آنها قانونی غیر عادلانه و غیر انسانی باشد. در آن صورت ممکن است احساس کنند که لازم است به صورتی ترجیحاً، ولی نه همیشه غیرخوشونت‌آمیز، در برابر ظلم بایستند.

برابری و اختلاف

۱. در بررسی‌های اخلاق دینی، همواره باید این استدلال را مدنظر داشت که اگر ادیان موجب نثار و شرارت شوند، ادعای آنها به ارائه معیارهای معنوی و اخلاقی تقریباً به طور کامل تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. ۲. اگرچه برای بعضی مردم پذیرش این حقیقت که مردم بی‌اندازه متنوعند نسبتاً آسان است، ولی گاهی یافتن راهی برای مقابله با ادیان دیگر که اغلب نه تنها ادعا می‌کنند که به حقیقت متفاوتی علم دارند، بلکه گاهی حقیقت را در انحصار خود می‌دانند، دشوار است. ملاحظه این نکته نیز جالب است که تلقی ادیانی که به هم نزدیک‌ترند در مقایسه با ادیانی که متعابدند، مسأله آفرین‌تر است. شاید برخورد با اعضای خانواده خود از برخورد با غریبه‌ها معمول‌تر باشد.

و در همه این موضوعات، این مسأله مطرح است که آیا همه مردم برابرند و اگر چنین است مقصود از ادیان مختلف چیست و انسان چگونه باید با اشکال گوناگون تجزیه بشریت برخورد نماید؟ یک بار دیگر و تنها با اتکا به معلومات سطحی، می‌توان گفت که تعالیم دینی اغلب به منظور تشدید احساس نابرابری در میان مردم و حمایت از ادعاهای یک گروه علیه گروه دیگر به کار رفته است. اما آیا در این موارد برداشت درستی از تعالیم دینی داشته‌ایم؟ آیا دین مورد سوءاستفاده قرار نگرفته است؟ این بخش، با موضوعات متنوع آن، مشخصاً بر انسانی بودن بالقوه ادیان اشاره می‌نماید و تأکید دارد که نگرش اخلاقی و معنوی ادیان ارزش آن را دارد که حتی مورد توجه پیروان ادیان دیگر و یا افراد کاملاً بی‌دین قرار گیرد.

تقسیمات ملی، جنگ و صلح

۱. امروزه، بیشتر دولت‌های ملی فرهنگ‌ها و گروه‌های دینی متنوعی را در درون خود جا می‌دهند. ممکن است ملتی این تنوع را به مثابه نمونه کوچک‌تر دنیای متنوعی که در آن زندگی می‌کند، تأیید نماید. در آن صورت، پیروان ادیان از زندگی در کنار یکدیگر احساس امنیت می‌کنند. اما گاهی تنش میان تعهدات و اعتقادات دینی، برای جدا ساختن دولت‌های ملی، وجود دارد. ممکن است دولت، دین یا بعضی گروه‌های دینی را سرکوب کند. ممکن است بخواهد ملتی را ایجاد کند که افراد آن بتوانند بدون اقل مصالحه، حیات دینی و آرمان‌های اخلاقی خود را پیگیری نمایند، این تمایل

ممکن است به اصلاح ریشه‌ای یک ملت از درون (مانند مورد انقلاب ایران)... متجر گردد.

۲. بسیاری از ادیان گونه‌ای از عدم خشونت را به مثابه یک آرمان تعلیم می‌دهند و پیروان بعضی ادیان از رفتن به جنگ امتناع ورزیده‌اند. به نظر آنها امتناع از مشارکت در قتل دیگران از وفاداری کورکورانه به یک دولت ملی، یا حتی دفاع از آن در صورت وجود تهدیدی از سوی دیگران، مهم‌تر است. در تعالیم بعضی از ادیان آمده که در بعضی شرایط، مانند دفاع از خود یا خاتمه دادن به خودکامگی و سرکوب، ممکن است جنگ قابل قبول و حتی اجباری باشد. در صورتی که جنگ ضروری باشد، به طور سنتی، شرایط دقیقی در مورد نحوه انجام آن با منتتهای احترام به زندگی و اموال غیرنظامی و رفتار انساندوستانه احتمالی، وضع می‌شود.

۳. در اخلاق بعضی ادیان تأکید شده که خانواده‌ها، جوامع و ملت‌ها چیزی جز مجموعه افراد نیستند، و بنابراین بهترین شیوه تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز، کنترل تجاوز، تنفر، حرص، حسادت و مانند آن در سطح افراد است.

مسائل جهانی

شواهد زیادی حکایت از آن دارد که آنچه تقسیم جهان به شمال و جنوب، خوانده می‌شود، مبین بی‌عدالتی آشکاری است. اغلب کشورهای نیمکره شمالی مرفه‌اند و مقادیر معتدله‌ای از مواد غذایی و منابع خود را تنها بدان دلیل که قادر به مصرف آن نیستند، ضایع می‌کنند. در مقابل، بسیاری از کشورهای نیمکره جنوبی فقیر و از نبود غذا در آستانه مرگند. هزاران نفر به علت قحطی، بیماری و بیلای طبیعی هلاک می‌شوند و قادر به حفظ خود در مقابل این مصائب نیستند. به نظر می‌رسد که مسأله فقر، جهانی بیشتر به عدالت مربوط باشد تا به منابع که لازم است همه مردم برای رفع آن اقدام کنند.

بعضی مردم، فقر در کشورهای فاقد پیشرفت‌های فن‌آورانه را به رشد جمعیت آنها مربوط می‌سازند. اما این تحلیلی کامل نیست، زیرا بنحوی پژوهشگر را از مسیر خود منحرف می‌سازد. در عین حال آیا باید مردم با «توکل به خدا» به تولید فرزند ادامه دهند؟... این آگاهی و نگرانی از مسایل جهانی، تلقی جهان به مثابه یک کل کاملاً مترابط را تقویت می‌کند.

اگرچه ممکن است این موضوعات دغدغه ادیان در زمان آغاز آنها نبوده باشد، ولی اگر این ادیان بخواهند در عصر حاضر موضوعیت خود را حفظ کنند باید بتوانند درباره نحوه واکنش بشر به مفهوم جهان به عنوان یک کل، و نیازهای طبیعی آن، با توجه به توانایی فزاینده بشر برای تأثیرگذاری بر نحوه پیشرفت جهان، چیزی برای گفتن داشته باشد.